

**"Research article"****Doi: 10.71767/jinev.2024.1213415****Phenomenological Analysis of Place in the Curriculum: A Case Study of the Student Dormitory at Farhangian University¹****Morteza Bazdar Qamchi Qayeh^{2*}****(Received: 2025.07.29 - Accepted: 2025.08.25)**

1. This article is derived from an independent research.

2. Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

*. M.Bazdar@cfu.ac.ir

Abstract

This study aims to phenomenologically analyze the meaning of place in the curriculum, with a case study of the teacher training dormitory in the minds of student teachers, and to describe their experiences of this place. The research method is qualitative and phenomenological, focused on discovering and analyzing the concepts and themes present in the lived experiences of student teachers. The data was collected through semi-structured in-depth interviews with student teachers, observations, and field notes. The data was then analyzed using phenomenological analysis, through which the main themes were identified and interpreted. The participants in this study were student teachers who had spent an academic year in the studied location, specifically one of the buildings of the Farhangian University campus. Purposeful sampling was used, and participants were selected based on the researcher's knowledge of them as a participant observer (professor) in the location. The findings showed that the meaning of the teacher training place for student teachers goes beyond a physical space and includes complex concepts such as physical coordinates, identity formation, emotional and psychological meaning, and symbolic meaning. These concepts play a significant role in shaping the professional attitudes and teacher identities of student teachers and influence their personal and professional motivations. The results of this study indicate that the teacher training place is not only an environment for academic learning but also functions as a social and cultural context in the formation of student teachers' teacher identities.

Keywords: curriculum, phenomenology, place, student teachers



تحلیل پدیدارشناسانه مکان در برنامه درسی: مطالعه موردی سرای دانشجویی

دانشگاه فرهنگیان^۱مرتضی بازدار قمچی قیه^۲*

(دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل پدیدارشناسانه معنای مکان در برنامه درسی و با مطالعه موردی سرای تربیت معلم در ذهن دانشجو معلمان و توصیف تجربیات آن‌ها از این مکان انجام شده است. روش تحقیق از نوع کیفی و پدیدارشناسی است که به کشف و تحلیل مفاهیم و مضامین موجود در تجربه زیسته دانشجومعلمان می‌پردازد. داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با دانشجومعلمان، مشاهده و یادداشت‌های میدانی جمع‌آوری شد. سپس به کمک تحلیل پدیدارشناسی داده‌ها، مضامین اصلی شناسایی و تفسیر گردید. شرکت کنندگان در این پژوهش دانشجومعلمانی بوده‌اند که به مدت یک سال تحصیلی را در مکان مورد نظر یعنی یکی از ساختمان‌های مربوط به پردیس دانشگاه فرهنگیان، گذرانده‌اند. نمونه‌گیری با روش هدفمند انجام گرفت و افراد مورد نظر با توجه به اینکه محقق به عنوان مشاهده‌گر مشارکتی (استاد) در مکان مورد نظر حضور داشت، بر اساس شناختی که از آنها داشت، انتخاب شدند. بعد از انجام ۱۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق گردآوری داده‌ها به اشباع نظری رسید. یافته‌ها نشان داد که معنای مکان تربیت معلم برای دانشجومعلمان فراتر از یک فضای فیزیکی است و شامل مفاهیم پیچیده‌ای همچون مختصات فیزیکی، شکل‌گیری هویت، معنای عاطفی و روان‌شناختی، معنای نمادین است. این مفاهیم نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش‌های حرفه‌ای و هویت معلمی دانشجومعلمان ایفا می‌کنند و بر انگیزه‌های شخصی و حرفه‌ای آن‌ها تأثیرگذار است. نتایج این تحقیق بیانگر این است که مکان تربیت معلم نه تنها محیطی برای یادگیری علمی است، بلکه به عنوان بستری اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری هویت معلمی دانشجومعلمان عمل می‌کند.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، پدیدارشناسی، مکان، دانشجومعلمان

۱. این مقاله بر گرفته از یک پژوهش مستقل است.

۲. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

* M.Bazdar@cfu.ac.ir

مقدمه

ادوارد کیسی^۱ بر مکان به عنوان "تجربه شده" (توسط انسان) تمرکز می‌کند. به گفته کیسی، مکان «محیط بی‌واسطه بدن زنده من است – عرصه‌ای از کنش که در عین حال فیزیکی و تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است. همان‌طور که کیسی استدلال می‌کند، "رابطه بین خود و مکان فقط رابطه‌ای متقابل نیست . . . بلکه به طور رادیکالی‌تر، همبستگی سازنده است: هر یک برای دیگری ضروری است. در واقع هیچ مکانی بدون خود و هیچ خودی بدون مکان وجود ندارد». بنابراین هیچ هویت بدون مکان نیز وجود ندارد (هرشاک و ایمز^۲، ۲۰۱۹). مکان به عنوان وسیله‌ای مهم برای پیوند دادن ویژگی‌های خاص^۳ به دغدغه‌های اجتماعی نظریه برنامه درسی تلقی می‌شود. به اعتقاد کینچلو مفهوم «مکان» ما را قادر می‌سازد تا درک کنیم که حتی تحقیق برنامه درسی غیر انتقادی و بی‌طرفانه دارای رابطه معناداری با مکانی است که در آن رخ می‌دهد. وی مفهوم «مکان» در نظریه برنامه درسی را به روانکاوی اجتماعی نظریه انتقادی مرتبط کرد. بنابراین برای درک ابعاد و ویژگی‌های مکان از دیدگاه وی، باید به روانکاوی اجتماعی توجه کرد تا جایگاه مفهوم «مکان» را نشان داد. فهم ویژگی خاص مکان به معنای فهم رابطه متقابل سوژکتیویته با واقعیت است که به طور هم‌زمان در ایجاد مکان سهیم بوده است. مانند مارتا نوسبام^۴، کینچلو «درک ادبی» – به‌ویژه داستان‌های تخیلی – را به‌عنوان عامل پیشرو تأیید کرد که به ما اجازه داد به سمت «قلمروهای ناشناخته آگاهی، در برخی موارد حالت‌های تغییر یافته آگاهی» برویم. همچنین جو همانند نوسبام نشان داد که "تخیل"^۵ در واقع توسط "مکان" آزاد می‌شود. کینچلو با تغییر استعاره‌ها، «مکان» را به عنوان «پنجره‌ای به سوی Lebenswelt، وسیله‌ای برای خودشناسی، و شکافی در ساختاری توصیف می‌کند که به خودپژوه (باستان‌شناس خویشتن) اجازه می‌دهد تا ریشه کنش‌پژوهی خود را کشف کند (پاینار، ۲۰۱۵). Lebenswelt) یا دنیای تجربه زیست شده واژه‌ای است که از سوی هوسرل^۶ مطرح شده است. وی از این واژه به عنوان دنیای تجربه فوری و بلاواسطه، دنیایی که به صورت طبیعی تجربه می‌شود، یعنی همان زندگی طبیعی اصیل نام می‌برد (پاینار و کینچلو، ۱۹۹۱، به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۴۰۱). پاینار مطالعه Lebenswelt یا تجربه سفر آموزشی را می‌توان مطالعه برنامه درسی یا همان کورره^۷ نامید. مکان در حقیقت عامل حیاتی و زنده بودن داستان و روایات در سفر آموزشی است به عبارتی تجربه سفر آموزشی و مکان از جمله عوامل همیشه حاضر در کورره و برنامه درسی است.

1 Edward Casey

2 Hershock and Ames

3 Particularity

4 Martha Nussbaum

5 Imagination

6 Husserl

7 Currere

مکان مفهومی است که در آن ویژگی‌ها و عواملی از قبیل تاریخ، فرهنگ و ذهنیت در هم تنیده می‌شوند. پاینار (۲۰۱۵) این اعتقاد کینچلو را به اشتراک گذاشت که آماده شدن برای معلمی مستلزم تأمل در محل تدریس است، هرچند که امروزه این یک مفهوم سیاره‌ای و محلی است. در مجموع باید گفت که کینچلو علیرغم اینکه از نظریه انتقادی (و تحلیل روانکاوی اجتماعی آن) به سمت پداگوژی انتقادی (با تأکید آن بر مبارزه جمعی و تحلیل سیاسی) حرکت کرده بود، به فرهنگ، تاریخ و ذهنیت متعهد باقی ماند. او در فراخوان خود برای «مرحله جدید پداگوژی انتقادی» به ما یادآوری کرد که «فرهنگ امر سیاسی را شکل می‌دهد» همانطور که وی خواستار توجه به «مسائل هویت و تولید فرد»، حتی در مورد «خود ادراکی»^۱ شد. از طرفی کینچلو بر این نکته تأکید می‌کند که مطالعه مکان، نوعی تحلیل روانکاوی و عمدتاً اتوبیوگرافیک است و فرد دائماً داستان شخصی خود را به داستان محل زندگی خود مرتبط می‌کند... تا در زندگی خود با آن سنت‌ها کنار بیاید. وی اذعان می‌کند که مکان در ذهنیت ساکن است، حتی زمانی که فرد آواره است و جابه‌جا می‌شود با تغییر در احساسات وی نوعی بازسازی ذهنی اتفاق می‌افتد (پاینار، ۲۰۱۵). با این حال، در حالی که تعداد فزاینده‌ای از کارهای نظری و مفهومی نقش مکان را در عمل آموزشی مورد بررسی قرار داده‌اند (به عنوان مثال، گرونوالد^۲، ۲۰۰۳)، مکان در تحقیقات آموزش و پرورش تا حدودی درک نشده است. اگرچه تعداد فزاینده‌ای از محققان آموزش و پرورش «چرخش فضایی»^۳ را پذیرفته‌اند و از مفاهیم و ابزار حوزه جغرافیا در تحقیقات مرتبط با آموزش استفاده کرده‌اند، نقش مکان و رابطه آن با قدرت، تعلیم و تربیت، برنامه درسی و زمینه اجتماعی محیط‌های آموزشی تا حد زیادی نادیده گرفته شده است (باتلر و سینکلیر^۴، ۲۰۲۰).

مکان تربیت معلم که در این پژوهش سرای دانشجویی است، فراتر از یک فضای فیزیکی، بستری برای تجربه‌های زیسته دانشجومعلم است. این مکان با تمام ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و تاریخی خود، معناهای متفاوتی را در ذهن دانشجویان و ساکنان شکل می‌دهد. لذا پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسی تلاش دارد تا تجربه‌های ذهنی و ادراکات دانشجومعلم را درباره‌ی این فضا واکاوی کند. این مطالعه به دنبال پاسخ به این پرسش است که سرای دانشجویی تربیت معلم چگونه به عنوان یک مکان، در ذهن دانشجومعلم بازنمایی می‌شود و چه معنایی را برای آنان تولید می‌کند؟

1 Self-realization
2 Gruenewald
3 The spatial turn
4 Butler, SinclAir

روش پژوهش

رویکردی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، رویکرد کیفی است و از روش پدیدارشناسی (از نوع توصیفی) استفاده شده است که تجارب زیسته شرکت کنندگان در پژوهش، تحلیل و ادراک آنها از موضوع مورد پژوهش بررسی شده است. مرلوپنتی^۱ (۱۹۷۸) در مقدمه معروف خود در مورد پدیدارشناسی ادراک تعریفی از پدیدارشناسی (مطالعه جوهر) ارائه کرد. مرلوپنتی به چندین موضوع تحقیق اشاره کرده است برای مثال، جوهر آگاهی، جوهر ادراک یا جوهر ناشی از وجود انسان در جهان. با این حال، توضیح وی، بر ماهیت ناهمگون این حوزه تأکید می‌کند تا اینکه خود موضوع را روشن کند. اگرچه صاحب‌نظران تعاریف متفاوتی از پدیدارشناسی دارند، یک موضوع مشترک این است که معنای واقعیت را باید از دیدگاه اول شخص درک کرد. بنابراین، این واقعیت ماست زیرا ما در آن زندگی می‌کنیم طوری که مرلوپنتی اظهار داشت که جهان را نمی‌توان بودن تفکر و اندیشه نسبت به آن تصور کرد (ادی^۲، ۲۰۰۰، ص. ۵۷). در نتیجه مرلوپنتی (۱۹۷۸) استدلال کرد که «تمام دانش من از جهان، حتی دانش علمی من، از دیدگاه خاص خودم، یا از تجربه حاصل از جهان به دست می‌آید که بدون آن نمادهای علم بی‌معنی خواهند بود. در این رابطه، هوسرل^۳ (۲۰۱۷، ص ۴۲۵) به این نتیجه رسید که پدیدارشناسی بر مسئله ساخت^۴ متمرکز است و استدلال کرد که «وظیفه اصلی پدیدارشناسی سازنده^۵» ارائه توضیحی از کل تفسیر از عملکرد آگاهی است که به تشکیل یک جهان ممکن می‌انجامد. به این ترتیب بدیهیات پژوهش پدیدارشناسی را می‌توان این طور خلاصه کرد که جهان و چیزهایی که در آن یافت می‌شود، زمانی به طور ملموس درک می‌شود که به صورت تشکیل شده درک شوند (فینک^۶، ۱۹۹۵). شرکت کنندگان در این پژوهش دانشجو معلمانی بوده‌اند که به مدت یک سال تحصیلی را (هم به عنوان کلاس درس و هم به عنوان خوابگاه) در مکان مورد نظر یعنی یکی از ساختمان‌های مربوط به پردیس دانشگاه فرهنگیان گذرانده‌اند. علاوه بر آن از مشاهده و یادداشت‌های میدانی نیز استفاده شده است. نمونه‌گیری با روش هدفمند انجام گرفت و افراد مورد نظر با توجه به اینکه محقق به عنوان مشاهده‌گر مشارکتی (استاد) در مکان مورد نظر حضور داشت و بر اساس شناختی که از آنها داشت، انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته بود و بعد از انجام ۱۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق گردآوری داده‌ها به اشباع نظری رسید. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی نیز با روش تحلیل مضمون (کلایزی^۷) انجام شده است. در ارائه یافته‌ها و مضامین شناسایی شده و نگارش متن مقاله تلاش شده تا از نقل قول‌های مستقیم شرکت کنندگان و از ضمیر اول

1 MerleauPonty

2 Edie

3 Husserl

4 Constitution

5 Constitutive phenomenology

6 Fink

7 Colaizzi

شخص یا همان صدای فعال استفاده شود که این منجر به اطمینان بیشتر به یافته‌های پژوهش می‌شود (ابولمعالی، ۱۳۹۱). اعتبار یافته‌های این پژوهش بر اساس معیارهای علمی و روش‌شناختی پژوهش‌های پدیدارشناسی سنجیده می‌شود. برای اطمینان از دقت، انسجام و قابلیت اعتماد داده‌ها، از راهکارهای زیر استفاده شده است: اولین راهکار تنوع شرکت کنندگان در پژوهش است. در این پژوهش، داده‌ها از طیف متنوعی از دانشجومعلم با سوابق، دیدگاه‌ها و تجربیات مختلف و خود محقق به عنوان مشاهده گر مشارکتی جمع‌آوری شده است تا بازتابی از گستره‌ی معانی و برداشت‌های آنان از سرای دانشجویی باشد. دوم استفاده از بازبینی مشارکت کنندگان است. جهت اطمینان از دقت یافته‌ها، بخشی از تحلیل‌ها و نتایج با تأیید مجدد برخی از مشارکت کنندگان همراه شده است تا مشخص شود که برداشت‌های پژوهشگر با تجربه‌ی واقعی دانشجومعلم همخوانی دارد. و بالاخره راهکار سوم استفاده از مثلث سازی است که در آن داده‌ها از سه منبع مصاحبه، مشاهده و یادداشت‌های میدانی گردآوری شده است.

مبانی نظری

بدون تردید در سال‌های اخیر مکان نقطه تمرکز مهمی برای محققان برنامه درسی بوده است، به ویژه از زمانی که جنبش نوفهم گرایی (دوره‌های که در آن برنامه درسی به زندگی و تجربه توجه کرده است) مورد توجه قرار گرفته است، اهمیت تاریخ، ویژگی خاص و ذهنیت^۱ در رشته مطالعات برنامه درسی بیشتر شده است. تلاش‌های شواب^۲ (۱۹۶۹) برای نجات حوزه مطالعات برنامه درسی از شرایط «رو به زوال» با نظریه‌های فناورانه و احیای آن با پارادایم عملی‌تر، نمونه خوبی از این تغییر نوفهم گرایی است. شواب (۱۹۷۳) در کار بعدی خود چهار موضوع معمول برنامه درسی را بیان می‌کند - همان ملاحظات کلیدی برای احیای بحث‌های برنامه درسی که باید به روش‌های متعادل و هماهنگ اعمال شوند. یکی از رایج‌ترین مواردی که شواب از آن نام می‌برد، محیط^۳ است: «مدرسه و کلاسی که قرار است یادگیری و تدریس در آن اتفاق بیفتد» و خانواده، جامعه، و گروه‌های اجتماعی-فرهنگی مختلف که زمینه وسیع‌تری را که کودکان در آن آموزش می‌بینند مشخص می‌کنند (ویبرینگ و همکاران^۴، ۲۰۲۰). علاوه بر این، پاینار (۱۹۹۱) نیز در زمینه مفهوم مکان اظهار داشت که «مکان به عنوان یک مفهوم عمدتاً غایب در ادبیات برنامه درسی است» (ص. ۱۶۵). با این حال، درخواست بعدی کینچلو و پینار (۱۹۹۱) برای توجه دقیق به مفهوم مکان در مطالعات برنامه درسی مبتنی بر تعهد مشترک آنها به درک روانکاوانه اجتماعی از تجربه انسانی است. در این قاب‌بندی، مکان به عنوان فضایی درک می‌شود که خصوصیات زندگی انسان بر آن نقش می‌بندد.

1 Subjectivity

2 Schwab

3 Milieu

4 Wearing et al

همانطور که کیس مور^۱ (۲۰۱۷) بیان می‌کند: "از طریق اصل سازماندهی مکان، واقعیت خارجی با جزییات کامل در نظر گرفته می‌شود و تعامل من با مکان را به عنوان آستانه‌ای در تاریخ اجتماعی، حافظه شخصی و فرآیند ناخودآگاه^۲ تقویت می‌کند". این حرکت به سمت فهم مکان برنامه درسی است که الهام‌بخش تعهدات مختلف به برنامه درسی به عنوان خودزیست نگاری^۳ (پاینار ۱۹۹۴؛ میلر، ۲۰۰۵؛ گرامت^۴، ۱۹۸۷)، روایت (کلاندینین و کانلی^۵، ۱۹۹۰؛ گودسون، ۲۰۱۴) و جهانی (گاف، ۲۰۰۰، گرانوالد و اسمیت^۶، ۲۰۱۴) است. سایر اندیشمندان دیدگاه انتقادی بر اهمیت مفهوم «مکان» در پژوهش‌های برنامه درسی تاکید داشته‌اند. از جمله پائولو فریره که اعتقاد داشت ساختارهای موجود را می‌توان از طریق همین آگاهی و تفکر انتقادی به چالش کشید و می‌توان طرحی نو برای جهان در انداخت. بنابراین وی نقطه آغاز آموزش و پرورش را نه علم موجود بلکه درک و شناخت وضعیت موجود زندگی می‌دانست یعنی معتقد بود بحث کلاس درس باید روی شناخت شرایط زندگی واقعی انسان‌ها بنا شود و این شناخت باید نقطه آغاز تحول جامعه به شمار آید. از طرفی مکان یک جنبه اجتناب ناپذیر از زندگی روزمره است و ارتباط نزدیکی با تجربیات زندگی ما دارد. مکان‌ها زمینه‌ای را فراهم می‌کنند که در آن ما درباره خودمان می‌آموزیم و با محیط طبیعی و فرهنگی‌مان ارتباط پیدا می‌کنیم. مکان هویت، روابط ما با دیگران و جهان بینی ما را شکل می‌دهد (به عنوان مثال گرونوالد^۷، ۲۰۰۳). مکان‌ها می‌توانند هژمونی، ایدئولوژی، نژادپرستی و دیگر اشکال ستم را بازتولید کنند. مکان‌ها همچنین می‌توانند محل مقاومت باشند. آنها می‌توانند به عنوان محیطی برای افراد به حاشیه رانده شده جهت فرار و مقاومت در برابر ظلم و سرکوب باشند در عین حال به عنوان محلی برای ایجاد آگاهی و همبستگی گروهی عمل کنند (دلانی^۸، ۲۰۰۲).

یافته‌ها

در این قسمت از پژوهش، نتایج و یافته‌های تحقیق به‌طور جامع ارائه خواهد شد. پژوهش حاضر با استفاده از روش پدیدارشناسی به بررسی معنای مکان تربیت معلم (سرای دانشجویی) در ذهن دانشجویان پرداخته است. هدف از این بخش توصیف و تحلیل تجربیات و مفاهیمی است که دانشجویان از این مکان درک کرده‌اند و اینکه چگونه این مفاهیم به شکل‌گیری هویت، نگرش‌ها و رفتارهای حرفه‌ای آنها کمک می‌کند. لذا به این سوال اساسی پاسخ می‌دهد که سرای دانشجویی دانشگاه فرهنگیان چگونه

1 Casemore

2 Unconscious process

3 Autobiographical

4 Miller, Grumet

5 Clandinin & Connelly

6 Gough, Gruenewald & Smith

7 Gruenewald

8 Delaney

به عنوان یک مکان، در ذهن دانشجومعلمیان بازنمایی می شود. یافته ها در این پژوهش شامل مضامین اصلی همچون مختصات فیزیکی، شکل گیری هویت، معنای عاطفی و روان شناختی و معنای نمادین هستند که در ذهن دانشجو معلمان از مکان تربیت معلم شکل گرفته است. این مفاهیم نه تنها به طور مستقیم بر تجربه های فردی دانشجومعلمیان تأثیر می گذارند، بلکه در فرآیند حرفه ای شدن و نقش آفرینی آنها در آینده آموزش نیز اثرگذار خواهند بود. در ادامه، هر یک از این مضامین به طور جداگانه بررسی و تحلیل می شوند تا نقش و اهمیت آنها در درک دانشجومعلمیان از محیط تربیت معلم روشن شود.

جدول ۱. نتایج تحلیل مضمون داده ها و معنا شناسی مکان (سرای دانشجویی)

Table 1

Results of the Thematic Analysis of Data and the Semantic Interpretation of Place (Student Dormitory)

مضامین اصلی Main Themes	خوشه ها Clusters	مفاهیم و معانی Concepts and Meanings	نمونه گزاره ها و جملات Sample Statements and Sentences
مختصات فیزیکی Physical Characteristics	رنگ و شکل Color and Shape	کهنه بودن ساختمان از نظر شکل و رنگ، ساختمان ورزشی برای تمرینات و فعالیت های ورزشی پسران، یک ساختمان قدیمی با در زنگ زده، دیوارهای رنگ باخته	The old appearance of the building in terms of shape and color A sports facility designated for male students' training and athletic activities an old building with a rusted door Walls with faded paint
	وضعیت ظاهری Appearance	بافت اجتماعی Social Context	
	طبقه ها و اتاق ها Floors and Rooms	طبقه ها طبقه ها	
تغییر کاربری Change of Use	سالن ورزشی Sports Hall	ساختمانی برای فعالیت های ورزشی پسران	A building for boys' sports activities
	غذاخوری Dining Hall	سلف غذاخوری با فضای گسترده در طبقه پایین و قبل از ورود به کلاس	
	کلاس درس Classroom	دو اتاق برای برگزاری کلاس ها واقع در پشت سلف غذاخوری، کلاس های بدون پنجره	
مختصات فیزیکی Physical Characteristics	خوابگاه Dormitory	خوابگاهی با ساختمان مرتفع، دیوارهای رنگ باخته و کهنه و با اتاق هایی کوچک با تراکم حدود ده نفر در هر اتاق	Two rooms for holding classes located behind the cafeteria, with classrooms lacking windows

A dormitory with a tall building, faded and worn walls, and small rooms housing about ten people each	
کسب تجربی متفاوت از محیط خانواده و حتی متمایز از دوران مدرسه	تجارب متفاوت
Gaining experiences different from the family environment and even distinct from school years	Varied Experiences
در جستجوی انگیزه‌ای برای تحمل سختی‌های مضاعف خوابگاهی	تحمل سختی‌ها
In search of motivation to endure the additional hardships of dormitory life	Tolerance of Difficulties
محیطی برای دوستی‌های جدید و تعامل با هم‌سالان در زمینه‌های مختلف	محیط تعامل و ارتباط
An environment for forming new friendships and interacting with peers in various areas	Interaction and Communication Environment
فراهم شدن زمینه برای تبادل نظرات و افکار با هم‌سالان و هم خوابگاهی‌ها	تبادل افکار
Providing a setting for exchanging ideas and opinions with peers and dormitory mates	Exchange of Ideas
بهره‌گیری از شادی‌ها و دشواری‌های خاص زندگی خوابگاهی برای ایجاد دوستی‌ها و ایجاد همبستگی‌های گروهی	همبستگی گروهی
Making use of the joys and challenges of dormitory life to build friendships and foster group solidarity	Group Cohesion
روابط احترام آمیز دانشجویان با یکدیگر، حضور احترام آمیز پرسنل و افراد اداری دانشگاه برای حل مسایل دانشجویان	حرمت آفرینی
Utilizing the joys and challenges of dormitory life to build friendships and foster group solidarity.	Respect Building
Respectful relationships among students, along with the courteous presence of university staff and administrators in addressing student issues	
موقعیت، شرایط ساختمان و بافت آن انعکاس دهنده نگاه به حرفه معلمی	نگاه به معلم
The location, condition, and structure of the building reflect the perception of the teaching profession	Perception of the Teacher
بازتابی از چالش‌های ساختاری نظام تربیت معلم که در ذهن دانشجومعلمین به مثابه تصویری از آینده شغلی‌شان بازتولید می‌شود.	بازتولید جایگاه معلم
زیستن در سرای دانشجویی تجربه‌ای پدیدارشناختی از مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری و تعاملات آموزشی را شکل می‌دهد که به‌طور ناخودآگاه، الگوی معلمی آینده را در ذهن دانشجومعلمین حک می‌کند	Reproduction of the Teacher's Status
فرسودگی سرای دانشجویی و کمبود امکانات آن، تجربه‌ای ناخودآگاه از جایگاه معلم در ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور ایجاد می‌کند که در آینده بر هویت حرفه‌ای آنان تأثیرگذار خواهد بود	
A reflection of the structural challenges in the teacher education system, which is reproduced in the minds of student-teachers as an image of their future careers.	
Living in the dormitory shapes a phenomenological experience of responsibility, resilience, and educational interactions, which unconsciously imprints a model of future teaching in the minds of student-teachers.	
The dormitory's deterioration and lack of facilities create an unconscious experience of the teacher's position within the country's social and economic structure, which will influence their professional identity in the future	

هویت فردی
Personal Identity

هویت اجتماعی
Social Identity

شکل‌گیری هویت
Identity Formation

هویت معلمی
Teacher Identity

"نابرابری‌های آموزشی و نبود عدالت در سیستم آموزش، باعث شده است که نسبت به تأثیرگذاری حرفه معلمی دچار تردید شوم محیط آموزشی فرسوده و نبود امکانات مناسب در مدرسه، انرژی و انگیزه مرا برای معلمی تحت تأثیر قرار داده است. عدم حمایت‌های مالی و رفاهی از دانشجومعلم‌ان، در همان ابتدای مسیر احساس بی‌ارزش بودن این حرفه را در من تقویت می‌کند.	دلسردی از حرفه معلمی Disenchantment with the Teaching Profession
Educational inequalities and the lack of justice in the educational system have made me doubt the impact of the teaching profession. A worn-out educational environment and the absence of adequate school facilities have affected my energy and motivation for teaching. The lack of financial and welfare support for student-teachers reinforces a sense of the profession's undervaluation from the very beginning of the path	
سرای دانشجویی، با تمام کهنگی و فرسودگی‌اش، برای دانشجومعلم‌ان فضایی آشنا و سرشار از خاطرات مشترک است که حس وابستگی عاطفی به آن را تقویت می‌کند. کهنگی ساختمان نه تنها مانعی برای احساس تعلق نیست، بلکه خود عاملی برای ایجاد حس همدلی میان دانشجومعلم‌ان است، زیرا آنان تاریخچه و خاطرات مشترکی را در این فضا تجربه می‌کنند	حس وابستگی Sense of Attachment
The dormitory, with all its age and wear, is a familiar space full of shared memories for student-teachers, strengthening their emotional attachment to it. The building's age is not an obstacle to a sense of belonging; rather, it fosters empathy among student-teachers, as they share a common history and collective memories in this space	
اگرچه این ساختمان قدیمی است، اما برای من سرشار از حس امنیت و آشنایی است؛ جایی که لحظات تلخ و شیرین دانشجویی را در آن تجربه کرده‌ام این سرا فقط یک ساختمان نیست؛ بلکه خانه‌ای موقت بود که در آن بالغ شدیم، یاد گرفتیم، شکست خوردیم و دوباره برخاستیم. صدای قدم‌ها در راهروهای قدیمی، رایحه کتاب‌های کهنه در شب‌های امتحان، و گرمای هم‌نشینی‌های شبانه، بخشی از هویت من در این مکان شده‌اند.	حس دلبستگی عاطفی به خاطرات آن Emotional Attachment to Its Memories
هر گوشه این سرا، خاطره‌ای از تلاش، امید، سختی و دوستی را در خود جای داده است؛ گویی دیوارهایش داستان زندگی ما را در سکوت روایت می‌کنند	

hardship, and friendship, as if its walls silently tell the story of our lives	
غربت نه تنها در دوری از خانه، بلکه در ناتوانی ساختمان کهنه‌ی سرا برای ایجاد حس "خانه بودن" نیز نهفته است؛ جایی که دیوارها بیشتر از ساکنان، قصه برای گفتن دارند. اشیای قدیمی و محو شدن رنگ‌ها در فضای سرای دانشجویی، یادآور این است که اینجا، خانه نیست، بلکه ایستگاهی موقت است که در آن حس تعلق هنوز جایی برای خود نیافته است Estrangement lies not only in being away from home, but also in the old dormitory building's inability to create a sense of 'homeliness'—a place where the walls have more stories to tell than the residents. The old objects and fading colors in the dormitory space serve as a reminder that this is not a home, but a temporary station where a sense of belonging has yet to find its place حضور افراد از مناطق مختلف با فرهنگ‌های متفاوت که انزوا و بیگانگی را به همراه دارد. سرای دانشجویی کهنه و فاقد امکانات فرهنگی پویا، نه تنها به بهبود تجربه زیست دانشجومعلم کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند احساس غربت و دوری از فضای آرمانی آموزشی را در آن‌ها افزایش دهد The presence of individuals from different regions with diverse cultures can bring feelings of isolation and alienation. An old dormitory lacking dynamic cultural facilities not only fails to enhance the student-teachers' living experience but can also increase their sense of estrangement and distance from an ideal educational environment	حس غربت Sense of Alienation بیگانگی فرهنگی Cultural Alienation
سرای دانشجویی، برای بسیاری از دانشجومعلم، محیطی بود که در آن درک عمیق‌تری از مسئولیت‌ها، استقلال و تعاملات انسانی به دست آمد For many student-teachers, the dormitory was an environment where they gained a deeper understanding of responsibilities, independence, and human interactions در کنار دیگر دانشجومعلم، ما به یاد آن روزهای پرماجرا می‌افتیم و در دل‌مان همان احساس همدلی و نزدیکی به یکدیگر دوباره زنده می‌شود. Alongside other student-teachers, we remember those adventurous days, and the same feelings of empathy and closeness to one another are revived in our hearts محیط آموزشی کهنه و فرسوده می‌تواند به کاهش انگیزه و علاقه دانشجویان به یادگیری منجر شود. دانشجویان ممکن است حس کنند که در چنین فضایی توانایی و ظرفیت رشد و پیشرفت ندارند. A worn-out and outdated educational environment can lead to a decrease in students' motivation and interest in learning. Students may feel that they lack the ability and capacity to grow and progress in such a setting دلسردی ناشی از انتظارات بالا در محیط‌های آموزشی می‌تواند به شکلی پنهانی در ذهن دانشجومعلم نفوذ کرده و بر کیفیت عملکرد و تعاملات آنها با دیگران تأثیر بگذارد Discouragement stemming from high expectations in educational environments can subtly permeate the minds of	
خاطرات سختی‌های دانشجویی Memories of Student Hardships خاطرات نوستالژیک Nostalgic Memories دلسردی از محیط آموزشی Discouragement from the Educational Environment دلسردی ناشی از انتظارات بالا Discouragement Resulting from High Expectations	تجارب احساسی Emotional Experiences معنای عاطفی و روان‌شناختی Emotional and Psychological Meaning خاطرات دانشجویی Memories of Student Life دلسردی Discouragement

student-teachers, affecting the quality of their performance and interactions with others	دلسردی نسبت به آینده		
بی انگیزگی نسبت به حرفه معلمی به دلیل حس بی تفاوتی تصمیم گیران و برنامه ریزان	شغلی و حرفه‌ای		
Lack of motivation toward the teaching profession due to the perceived indifference of decision-makers and planners	Discouragement Regarding Future Career and Profession		
فضای فیزیکی قدیمی ممکن است به دانشجویان احساس محصور بودن و محدودیت بدهد. این فضاها معمولاً از رنگ‌ها و طراحی‌های مناسب برای تحریک خلاقیت و انرژی استفاده نمی‌کنند، و این می‌تواند احساس خستگی و دلسردی در دانشجومعلم‌ان ایجاد کند.	دلسردی از فضای فیزیکی		
Discouragement with the Physical Environment			
Old physical spaces may give students a sense of confinement and limitation. These spaces often do not use colors or designs that stimulate creativity and energy, which can lead to feelings of fatigue and discouragement among student-teachers.			
Deviation from the standards of an ideal educational environment			
اختلاف بین تصورات اولیه از حرفه معلمی و واقعیت‌های موجود- تعارض بین ارزش‌های شخصی و سیستم آموزشی-	دلسردی ناشی از تضاد ارزش‌ها		
The gap between initial perceptions of the teaching profession and existing realities – conflict between personal values and the educational system	Discouragement Resulting from Value Conflicts		
احساس ارزشمندی از انتخاب حرفه معلمی- انگیزه برای تأثیرگذاری مثبت بر نسل آینده- امید به پیشرفت شغلی و دستیابی به فرصت‌های بهتر	امیدواری به آینده شغلی و حرفه‌ای		
A sense of value in choosing the teaching profession – motivation to make a positive impact on future generations – hope for career advancement and access to better opportunities	Hopefulness Regarding Future Career and Profession		
حمایت و دلگرمی از سوی اساتید و هم‌کلاسی‌ها- ایجاد دوستی‌ها و روابط عمیق که به تجربه دانشجویی معنا می‌بخشد	امیدواری از طریق تعاملات مثبت اجتماعی		
Support and encouragement from professors and classmates – fostering friendships and deep relationships that give meaning to the student experience	Hopefulness Through Positive Social Interactions	امیدواری	Hopefulness
امید به اصلاحات و بهبود شرایط آموزشی- انگیزه برای مشارکت در تغییرات آموزشی و فرهنگی	امیدواری به حمایت و پشتیبانی نظام آموزشی		
Hope for reforms and improvement of educational conditions – a motivation to participate in educational and cultural changes	Hopefulness in the Support and Backing of the Educational System		
به‌عنوان بستری برای بازتولید تجربیات، احساسات و هویت‌های دانشجومعلم‌ان	مکان به‌عنوان بستری برای بازتولید		
As a platform for reproducing the experiences, emotions, and identities of student-teachers	Place as a Context for Reproduction	معنای فرهنگی	معنای نمادین
وجود دانشجومعلم‌ان با فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف به عنوان چالش‌ها و فرصت‌هایی برای توسعه حرفه‌ای	تجربه تضادها و تنوع فرهنگی		
The presence of student-teachers with diverse cultures and identities as both challenges and opportunities for professional development	Experiencing Cultural Conflicts and Diversity	Cultural Meaning	Symbolic Meaning

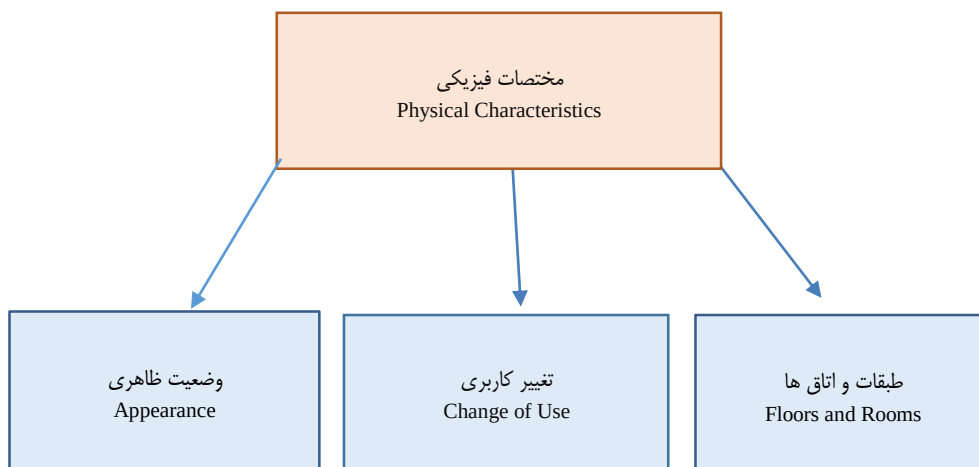
معنای تاریخی Historical Meaning	پیوند مکان با گذشته	می‌تواند به‌عنوان مکانی برای ذخیره‌سازی تجربیات جمعی دانشجومعلم‌ان عمل کند، جایی که خاطرات، چالش‌ها و موفقیت‌های آموزشی در ذهن آن‌ها حک شده و به شکل غیرمستقیم بر فرآیند یادگیری و آموزش اثر می‌گذارد	Connection of Place with Educational Past
	ناپایداری تاریخی	فرسایش تدریجی هویت تاریخی مکان در نتیجه تغییرات مدرن	Historical Instability
	عدالت آموزشی	دانشجومعلم‌ان ممکن است احساس کنند که در سرای دانشجویی با چالش‌هایی مواجه‌اند که بر تعادل و برابری در تجربه آموزشی تأثیرگذار است	Educational Justice
		Student-teachers may feel that they face challenges in the dormitory that affect the balance and equity of their educational experience	
ارزش‌ها و سنت‌ها Values and Traditions	روحیه همکاری و مشارکت	روحیه مشارکت به‌عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌گیری هویت جمعی دانشجومعلم‌ان مشارکت به‌عنوان ابزاری برای مقابله با چالش‌های روزمره در خوابگاه	Spirit of Cooperation and Participation
	تضاد بین ارزش‌های سنتی و نیازهای آموزشی مدرن	سرای دانشجویی به‌عنوان یک فضای فیزیکی و اجتماعی، ممکن است محیطی باشد که در آن دانشجومعلم‌ان تحت تأثیر فضای سنتی ساختمان و نظام‌های قدیمی زندگی می‌کنند. این امر می‌تواند موجب ایجاد احساس تضاد در آن‌ها شود، زیرا باید بین ارزش‌های قدیمی و نیازهای جدید خود در یادگیری و رشد حرفه‌ای‌شان تعادل برقرار کنند	Conflict Between Traditional Values and Modern Educational Needs
		The student dormitory, as both a physical and social space, may serve as an environment in which student-teachers live under the influence of the building's traditional setting and outdated systems. This situation can create a sense of conflict for them, as they must balance between traditional values and their emerging needs for learning and professional development."	
	باور به ارزش حرفه معلمی	تردید و عدم باور به ارزش حرفه معلمی	Belief in the Value of the Teaching Profession
باورها Beliefs	باور به تأثیر تغییرات اجتماعی و نوآوری‌ها	تغییر نگرش نسبت به تأثیر نوآوری‌ها در حرفه معلمی و تناقض آن با بافت فرسوده محیط خوابگاهی و آموزشی	Belief in the Impact of Social Changes and Innovations
		Changing Attitudes Toward the Impact of Innovations in the Teaching Profession and Their Contradiction with the Deteriorated Context of Dormitory and Educational Environments	

در این بخش، مضامین اصلی شناسایی شده در پژوهش بر اساس گفته‌ها و تجربیات دانشجویان تبیین خواهند شد. برای هر مضمون، نمونه‌هایی از گفته‌های دانشجویان آورده شده است تا تحلیل دقیق‌تری از تجربه‌های زیسته آنان ارائه شود. این گفته‌ها به درک عمیق‌تر معنای مکان (سرای دانشجویی) در ذهن آنان کمک می‌کند.

۱. مختصات فیزیکی

یکی از مفاهیم برجسته‌ای که در گفته‌های دانشجویان مشاهده شد، مختصات فیزیکی است. ساختمان‌هایی که برای محیط تربیت معلم انتخاب شده‌اند اما مناسب این کاربری نیستند، مشکلات بسیاری از نظر فیزیکی ایجاد می‌کنند. این مشکلات شامل فضای نامناسب، تهویه ضعیف، نور ناکافی، و طراحی غیرمنظم می‌باشد که باعث کاهش کیفیت یادگیری و افزایش احساس ناخوشایندی می‌شود. یکی از دانشجویان در این زمینه گفت: «فضای این ساختمان خیلی قدیمی و کسل‌کننده است. نور کافی ندارد و تهویه‌اش اصلاً مناسب نیست. این محیط به هیچ‌وجه مناسب یک فضای آموزشی نیست و خیلی وقت‌ها باعث می‌شود که از درس خسته شوم». این گفته نشان‌دهنده عدم تناسب مختصات فیزیکی ساختمان با نیازهای آموزشی و راحتی دانشجویان است. دانشجو معلم دیگری در این زمینه اظهار کرد: «کلاس‌هایی که در این ساختمان داریم خیلی کوچک و پر از جمعیت است. حتی به سختی جا برای نوشتن داریم. این فضا اصلاً برای یادگیری مناسب نیست. شروع زندگی خوابگاهی در هر شرایطی سخت و پر از دلتنگی است اما خوابگاه شمس با وجود بهداشت کم، آب کم، غذای بد یا سرد سختی‌ها رو چند برابر می‌کرد». شرکت‌کننده دیگری فضای فیزیکی سرای دانشجویی را این چنین توصیف کرده است: «ساختمان خوابگاه، ساختمان مرتفعی است و نمای قدیمی دارد که نشانگر قدمت بالای آن است و زمان زیادی از ساخت یا نوسازی آن می‌گذرد. اتاق‌ها اکثراً کوچک هستند و پنجره آنها مسدود است. در هر اتاق حداقل ۱۰ تخت وجود دارد که تراکم بالای دانشجویان در اتاق‌ها را نشان می‌دهد. کلاس ما اتاق کوچکی است و نورگیری بسیار ضعیفی دارد. دیوارهای این اتاق و همچنین سایر بخش‌های خوابگاه، رنگ و رو رفته اند و صندلی‌ها هم به دلیل اندازه کوچک کلاس، تنگاتنگ و با فاصله کم به طور ردیفی چیده شده اند». شرکت‌کننده دیگری شرایط و موقعیت ساختمان آموزشی را این چنین بیان کرده است: «در خوابگاه ما برای ۱۶۰ نفر جمعیت کلاً چهار تا حمام وجود دارد که آن هم به دلیل این که فشار آب کم است مجبوریم ساعت دو شب به بعد از آن‌ها استفاده کنیم. به دلیل همین فشار کم آب، در سلف برای شستن ظرف‌ها باید مدت زیادی منتظر بمانیم و حتی ۹۰ درصد مواقع آب تصفیه هم نیست و دستگاه تصفیه همیشه خراب است و باید از بیرون آب معدنی تهیه کنیم. در سالن بالا یک نمازخانه وجود دارد که از آن استفاده‌های زیادی می‌شود: در آنجا لباس پهن می‌کنند، تلویزیون نگاه می‌کنند، مطالعه می‌کنند، دو تا کامپیوتر هست که در آنجا از آن هم استفاده می‌کنند، برای خواب و استراحت استفاده می‌کنند و در تایم‌های خالی نماز هم

می‌خوانند. تصور ما از دانشگاه و خوابگاه اصلاً چیزی نبود که دیدیم». دانشجو معلم دیگری بخش‌های مختلف فضای فیزیکی سرای دانشجویی را چنین توصیف کرده است: «داخل سلف بوفه چوبی بزرگی پراز ظرف‌های گل سرخ دار قرارداد که مرا یاد ظرف‌های گل سرخ‌دار مادر بزرگم می‌اندازد. میز و صندلی‌های آبی رنگی به طور منظم چیده شده که آنجا را شبیه رستوران‌های بین راهی کرده است. بوی غذا فضای سلف را فراگرفته... پشت این در کلاس کوچکی است که نسبت به این کلاس واقعا کوچک است. کلاسی که هیچ پنجره‌ای ندارد، این کلاس احساس خفگی به من می‌دهد. شبیه سلول انفرادی است». شرکت کننده دیگری موقعیت را چنین تشریح کرده است: «ساختمانی که وضعیت ظاهری آن در ذوقم می‌زند بنایی بسیار کلنگی و فرسوده است که احتمال می‌رود با سرسختی سرپایش نگه داشته‌اند تمامی لوله‌های آن زنگ زده و پوسیده به نظر می‌رسد گویی یک قرن از ساخت آن می‌گذرد پنجره‌های آن مال عهد قاجار است در کل ساختمان رنگ و رورفته‌ای است که چنگی به دل نمی‌زند. تفاسیر گلدان‌های حاضر در پنجره و پرده‌های خوش‌رنگ طبقه دوم ساختمان نشان از جریان داشتن زندگی و شادی و نشاط و صمیمیت جو ساختمان دارد وارد ساختمان می‌شوم. ساختمان شمس درعین اینکه درختان سربه فلک کشیده و فضای زیبایی دارد ساختمانی بسیار فرسوده است که در نگاه اول خسته کننده به نظر می‌رسد اما با گذشت زمان و یادداشتن اعتقاد راسخ و ایمان به باور خود می‌توان بر تمام مشکلات غلبه کرد و برای رسیدن به هدف تلاش کرد و با توکل بر خداوند به مقصود نهایی خود رسید».



نمودار ۱. مضمون اصلی اول و زیرمضامین آن

Figure 1

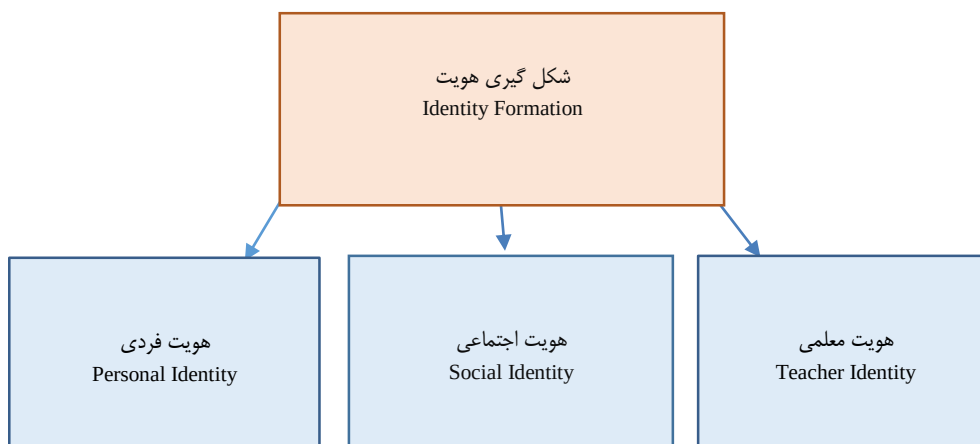
The first main theme and its subthemes

۲. شکل‌گیری هویت

با توجه به تعریف و جایگاه مکان در برنامه درسی، شکل‌گیری و تکوین هویت حرفه‌ای دانشجو معلمان از مکان و ویژگی‌های آن تأثیر می‌پذیرد. شرکت کنندگان در این پژوهش هویت را به عنوان یکی از مضامین اصلی معرفی کرده‌اند که معنای مکان را به این مضمون مرتبط دانسته‌اند. از دیدگاه آنها، هویت فردی، اجتماعی و هویت معلمی به عنوان مؤلفه‌های فرعی آن است. عدم وجود فضایی مناسب برای رشد علمی و حرفه‌ای، می‌تواند در ذهن دانشجو معلمان احساس بی‌ارزشی و عدم احترام به حرفه معلمی را ایجاد کند. هویت فردی یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت در معنای مان از دیدگاه دانشجومعلمان است. از دیدگاه یکی از شرکت کنندگان در پژوهش کسب تجارب جدید و البته متفاوت در این زمینه کارساز است. وی اظهار می‌کند: «کسب تجارب متفاوت از محیط خانواده و حتی متمایز از دوران مدرسه از جمله مواردی است که من در ارتباط با مکان کنونی خودمان در سرای دانشجویی تجربه می‌کنم. از دیدگاه من در چنین موقعیتی بیشتر دانشجویان در جستجوی انگیزه‌ای برای تحمل سختی‌های مضاعف خوابگاهی هستند و در این مسیر تلاش می‌کنند تا تجارب جدیدی کسب کنند که به نظر این تلاش به شکل‌گیری هویت فردی آنها کمک می‌کند». علاوه بر آن، از دیدگاه شرکت کنندگان در پژوهش مکان در شکل‌گیری هویت اجتماعی نقش اساسی دارد. یکی از دانشجو معلمان برداشت خویش از مکان را اینگونه توصیف کرده است: «از مزایایی که زندگی خوابگاهی برای من دارد همین ارتباط و بگو بخند با دوستان و همچنین کارهایی که به صورت گروهی مثل تکالیف انجام می‌دهیم و یا با هم در زمان اوقات فراغت برای گردش به بیرون می‌رویم و خاطره‌هایی که با هم می‌سازیم بسیار ارزشمند است و من در این دوران توانستم دوستان زیادی پیدا کنم». شرکت کننده دیگری این چنین بیان کرده است: «هم اتفاقی‌های خوبی برای هم هستیم و همین باعث شده تا احساس تنهایی نکنیم و حالم خوب باشد وقتی به این قضیه فکر می‌کنم می‌بینم باید خدا را شکر کنم چه بسا شاید در یک خوابگاه عالی با امکانات لازم بودم ولی هم اتفاقی‌هایم خوب نبودند و من هم اتفاقی‌های خوب را به خوابگاه خوب ترجیح می‌دهم و در کل چیزی که باعث شد راحت‌تر کنار بیایم این بود که من آرزویی را که سال‌ها داشتم را دارم زندگی می‌کنم مهم نیست شرایط چقدر سخت باشد به قول یکی از معلم‌هایمان که می‌گفت شرایط هر چقدر سخت باشد انسان نیز سخت‌تر می‌شود. دوری از خانواده و خوابگاهی بودن دلتنگی و نگرانی دارد ولی باعث می‌شود آدم مستقل شود و روی پای خودش بایستد. سختی کشیدن در مسیر رسیدن به هدف حس خوبی دارد و من را وادار به صبر کردن می‌کند».

از دیگر مؤلفه‌هایی که معنای مکان در ذهنیت دانشجومعلمان شکل داده، هویت حرفه‌ای آنان است. نگارنده بر اساس تجارب زیسته خود معتقد است که حضور در این مکان با چنین شرایطی بازتولید جایگاه معلم را برای دانشجومعلمان فراهم می‌کند. از طرفی در ابتدای مسیر شرایط این مکان ممکن است نوعی دلسردی

از حرفه معلمی را فراهم کند و به این ترتیب هویت حرفه ای دانشجومعلم را در همان ابتدای مسیر تحت تأثیر قرار دهد. مسأله ای که دانشجومعلم نیز بر آن تأکید کرده اند. برای نمونه یکی از شرکت کنندگان در پژوهش چنین اظهار کرده است: «گاهی وقتی وارد این ساختمان می شوم، احساس می کنم که این مکان نمی خواهد به ما احترام بگذارد. فضای اینجا باعث می شود که احساس کنم به عنوان یک معلم آینده هیچ چیز جدی و حرفه ای نیست». به نظر می رسد این گفته نمایانگر تأثیر فضای نامناسب بر شکل گیری هویت حرفه ای و احساس دانشجومعلم از حرفه معلمی است. همچنین دانشجومعلم دیگری در این زمینه می گوید: «وقتی وارد این ساختمان می شوم، به سختی می توانم خودم را آماده تدریس یا یادگیری ببینم. فضای غیرقابل تحمل باعث می شود که به طور ناخودآگاه احساس بی اهمیتی کنم. احساس می کنم حرفه معلمی کاری است بی ارزش و من از اینکه این احساس را در همین ابتدای مسیر دارم خیلی ناراحتم». دانشجوی دیگری در این زمینه چنین اظهار می کند: «به نظر من چنین محیطی دانشجویان (خصوصاً دانشجویان سال اول) را از تحصیل دلسرد می کند و یک جوهرهایی به آنها جایگاه معلم در جامعه را نشان می دهد». از طرفی می تواند برای دانشجویان ایجاد انگیزه کند تا برای کسب درجات بالای تحصیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) تلاش افزون بکنند تا از دانشگاه های ممتاز و با امکانات بالاتر پذیرفته شوند و به قولی، از این محرومیت به عنوان سکوی پرتاب و پیشرفت استفاده کنند».



نمودار ۲. مضمون اصلی دوم و زیرمضامین آن

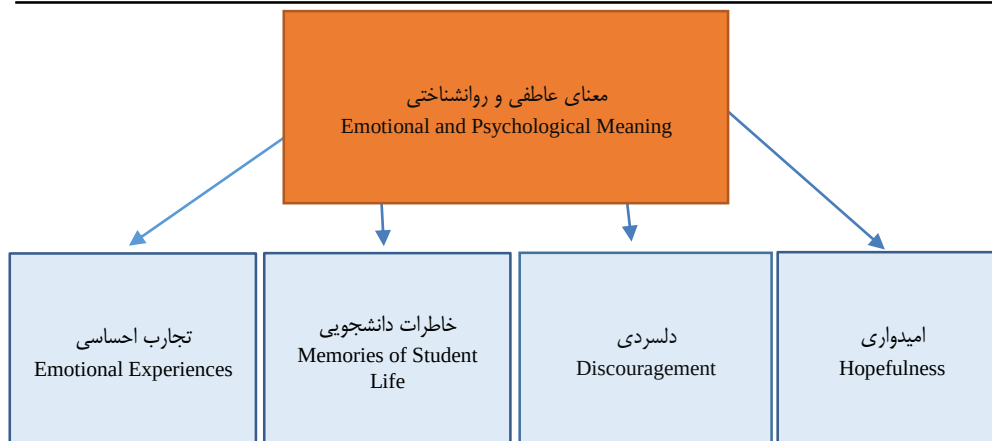
Figure 2

The second main theme and its subthemes

۳. معنای عاطفی و روان‌شناختی

حضور در هر مکانی برای مدت زمان طولانی همواره تأثیرات عاطفی و روانشناختی دارد. دانشجویان نیز با حضور در مکان تربیت معلم و سرای دانشجویی که هم به عنوان محیط خوابگاهی و هم محیط کلاسی محسوب می‌شود از آن تأثیر می‌گیرند. از طرفی محیط‌های آموزشی کهنه و نامناسب می‌توانند تأثیرات منفی بر وضعیت روان‌شناختی و عاطفی دانشجومعلم‌ان داشته باشند. به نظر نگارنده، این تأثیرات شامل استرس، دل‌سردی، امیدواری، خاطرات احساسی و کاهش انگیزه‌های تحصیلی می‌شود که بر کیفیت تجربه آموزشی و روحیه دانشجومعلم‌ان تأثیر دارد. یکی از شرکت‌کنندگان در پژوهش در این زمینه چنین اظهار می‌کند: «در آن لحظه‌ها با خود گفتم این ثمره آن همه تلاش‌هایم بود؟! واقعاً ارزش این همه تلاش‌های شبانه‌روزی را داشت یک شهر دیگر در چنین دانشگاهی و چنین خوابگاهی به سر کنم یک لحظه حس کردم آن همه درس خواندن‌ها پوچ و بی‌فایده بود واقعاً حال خوبی نداشتم هیچ کس حال خوبی نداشت اون روز بدترین روز عمرم بود. طول کشید تا خودم را با شرایط وفق بدم هنوز هنوزم که هنوز است بعد از گذشت ۷ ماه باز هم حس راحتی ندارم». دانشجو معلم دیگری شرایط احساسی ناشی از حضور در این مکان را این چنین توصیف کرده است: «هر کسی انتظار دارد بر حسب زحمتهایی که کشیده به جایگاه خوبی برسد و مورد اکرام قرار گیرد خصوصاً ما به عنوان دانشجو معلم انتظار داریم قدری به اهمیت شغل ما و وظیفه خطیری که بر عهده‌مان هست بیشتر اهمیت دهند و لااقل یک مکان خوب و با امکانات بهتر برای اسکان دانشجو معلمانی که از سایر شهرها به آنجا می‌روند فراهم کنند این کمترین خواسته هر دانشجویی هست. فضای طوری بود که انگیزه‌ای برای درس خواندن نداشتیم خصوصاً ماه‌های اول هیچ میل و شوقی برای مطالعه نبود».

یکی دیگر از دانشجومعلم‌ان در این زمینه گفت: «وقتی در این ساختمان هستم، همیشه احساس می‌کنم که چیزی کم است. فضای کسل‌کننده و غیرقابل تغییر باعث می‌شود که من به‌سختی بتوانم انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل داشته باشم. استرس و فشار زیادی احساس می‌کنم». دانشجومعلم دیگری افزود: «این محیط باعث می‌شود که حتی انگیزه‌ای برای رفتن به کلاس نداشته باشم. وقتی وارد این ساختمان می‌شوم، احساس می‌کنم که چیزی در من مرده است. این مکان به نوعی بر روحیه من اثر منفی گذاشته». وی در این زمینه ادامه می‌دهد: «همین‌طور نشسته بودم و داشتم با خودم صحبت می‌کردم (این بود نتیجه‌ی اون همه تلاش و شب بیداریا؟) من اینو نمی‌خواستم کاش اصلاً به رشته دیگه رو انتخاب کرده بودم کاش الان اینجا نبودم و هزاران کاشششش که با خودم تکرار می‌کردم. البته که دوستان بسیار خوبی دارم و گرمای وجود آنها بود که توایتم آن شرایط را تحمل کنم. هرچند که در اتاق ۹ نفره که هرکدام از ما از یک فرهنگ و شهر متفاوتیم. به نظر می‌رسید استاد هم از این که یک ترم را در این وضع تدریس کند دل خوشی نداشت اما برای این که انگیزه ما کم نشود مشغول دل‌داری دادن به ما بود».



نمودار ۳. مضمون اصلی سوم و زیر مضامین آن

Figure 3

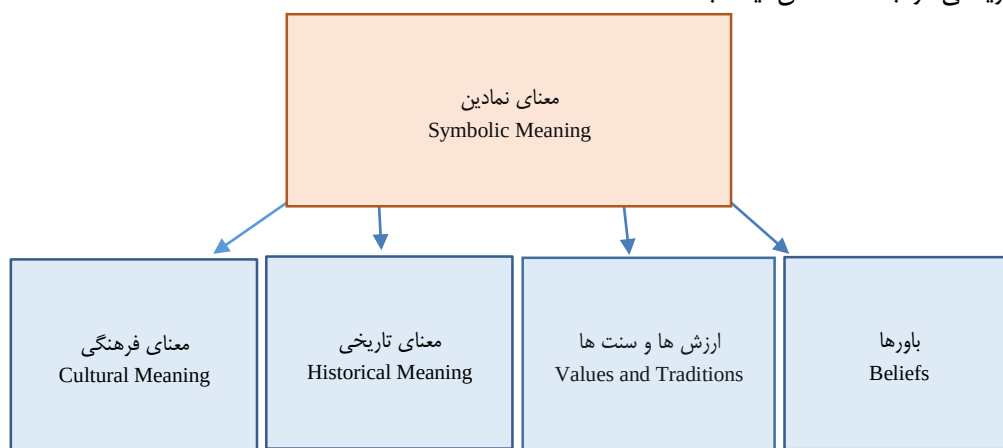
The third main theme and its subthemes

۴. معنای نمادین

ساختمان‌های قدیمی و نامناسب ممکن است به‌عنوان نمادهایی از بی‌توجهی به حرفه معلمی و عدم ارج‌گذاری به دانشجومعلمان دیده شوند. این مکان‌ها می‌توانند نمادی از بی‌احترامی و کم‌توجهی به ارزش‌های آموزشی تلقی شوند که در ذهن دانشجومعلمان تأثیر منفی می‌گذارد. از دیدگاه شرکت‌کنندگان در پژوهش مهم‌ترین مؤلفه‌های این مضمون شامل معنای فرهنگی، معنای تاریخی، ارزش‌ها و سنت‌ها است.

یکی از دانشجومعلمان در این زمینه گفت: «وقتی وارد این ساختمان می‌شوم، احساس می‌کنم که این مکان فقط برای دانشجویان معمولی طراحی شده است، نه برای کسانی که آینده معلمی دارند. اینجا هیچ‌گونه نماد و نشانه‌ای از حرفه‌ای بودن وجود ندارد». شرکت‌کننده دیگری در این زمینه اظهار می‌کند: «این ساختمان برای من نماد کهنه‌گرایی و عدم تغییر است. حس می‌کنم که هیچ‌چیز در اینجا نمی‌خواهد پیشرفت کند و این برای من به‌عنوان یک معلم آینده خیلی ناامیدکننده است». علاوه بر آن نگارنده نیز به برداشت فرهنگی از معنای مکان در برنامه درسی اشاره می‌کند و معتقد است که مکان به‌عنوان بستری برای بازتولید به شمار می‌رود که در آن جایگاه معلم، آموزش و یادگیری را در جامعه نشان می‌دهد و چارچوبی از حرفه معلمی را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند. کهنگی ساختمان سرای دانشجویی می‌تواند نماد پایداری و استمرار نظام تربیت معلم در طول سال‌ها باشد. این مکان تجسمی از نسل‌های متوالی دانشجومعلمان است که در شرایط مشابه زیسته‌اند و همچنان به مسیر آموزشی خود ادامه داده‌اند. دانشجومعلم دیگری در این زمینه اظهار می‌کند: «فرسودگی این ساختمان ممکن است در ذهن

دانشجومعلمان بازنمایی‌کننده محدودیت‌های امکانات آموزشی و دغدغه‌های رفاهی باشد. این کهنگی می‌تواند استعاره‌ای از عدم سرمایه‌گذاری کافی در حوزه تربیت معلم و کیفیت زندگی دانشجومعلمان باشد. شرکت‌کننده دیگری این مسأله را از زاویه دیگری توصیف می‌کند: «سال‌ها بعد، این مکان برای دانشجومعلمان تبدیل به یک خاطره‌ی ماندگار خواهد شد که نماد دوران تلاش، آرمان‌گرایی و رشد شخصی آنها بوده است. سرای دانشجویی، با تمام کاستی‌ها و امکاناتش، در آینده به بخشی از هویت و خاطرات حرفه‌ای آنان تبدیل خواهد شد». همچنین از نظر نگارنده مکان می‌تواند به عنوان نماد تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری هویت جمعی باشد. بر این اساس این مکان به عنوان بستری برای دوستی‌ها، بحث‌های علمی، همکاری‌های جمعی و حتی تنش‌های اجتماعی، معناهای متعددی را در ذهن دانشجومعلمان ایجاد می‌کند. فضای خوابگاهی سرای دانشجویی می‌تواند نماد زندگی اجتماعی و یادگیری مهارت‌های هم‌زیستی در جامعه معلمان آینده باشد.



نمودار ۴. مضمون اصلی چهارم و زیرمضامین آن

Figure 4

The fourth main theme and its subthemes

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف توصیف و تحلیل معنای مکان تربیت معلم در ذهن دانشجومعلمان به روش پدیدارشناسی، مفاهیم و مضامینی را مورد بررسی قرار داد که درک دانشجومعلمان از این مکان را شکل می‌دهند. نتایج تحقیق نشان داد که مکان تربیت معلم نه تنها یک فضای فیزیکی است، بلکه بستری است معنوی و اجتماعی که در آن مفاهیم مختلفی مانند هویت، احساس تعلق، تجربیات احساسی، باورها، سنت‌ها، و ارزش‌ها به‌طور همزمان در هم آمیخته‌اند و تجربه دانشجومعلمان را از این مکان غنی می‌سازند. یافته‌ها در این پژوهش شامل مضامین اصلی همچون مختصات فیزیکی، شکل‌گیری هویت، معنای عاطفی و

روان‌شناختی، معنای نمادین هستند که در ذهن دانشجو معلمان از مکان تربیت معلم شکل گرفته است. این مفاهیم نه تنها به‌طور مستقیم بر تجربه‌های فردی دانشجومعلمان تأثیر می‌گذارند، بلکه در فرآیند حرفه‌ای شدن و نقش‌آفرینی آنها در آینده آموزش نیز اثرگذار خواهند بود. مکان تربیت معلم به‌عنوان یک فضای فرهنگی، اجتماعی و حرفه‌ای نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی هویت حرفه‌ای دانشجومعلمان ایفا می‌کند. این مکان نه تنها به‌عنوان فضایی برای یادگیری علمی، بلکه به‌عنوان بستری برای انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی است که به رشد و توسعه فردی و حرفه‌ای دانشجومعلمان کمک می‌کند. حفظ هویت تاریخی و فرهنگی مکان در کنار پذیرش تغییرات و نوآوری‌های آموزشی می‌تواند به ایجاد فضایی آموزشی مؤثرتر برای تربیت معلمان کمک کند. همچنین، بر اساس نتایج این تحقیق، تقویت حمایت اجتماعی و فرهنگی و ایجاد فضای تعاملی مثبت می‌تواند به افزایش انگیزه و رضایت دانشجومعلمان از فرآیند تربیت معلم کمک کند. مقایسه یافته‌های این تحقیق بر اساس چهار مضمون اصلی شناسایی شده، نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. برای نمونه در پژوهشی با عنوان "پدیدارشناسی مکان در زیست جهان دانشجویی (مورد مطالعه دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران) (خوشنام، ۱۴۰۰) ویژگی‌های فیزیکی مکان‌های تعاملات غیررسمی دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان به دنبال فضاهایی با احساس امنیت، آزادی و راحتی هستند که تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کند. از طرفی براساس تجارب و مشاهدات تأملی نگارنده احساس فرسودگی ساختمان، استعاره‌ای از وضعیت نظام تربیت معلم در ذهن دانشجومعلمان است که با مطالعات پیشین درباره‌ی تأثیر فضای فیزیکی بر نگرش دانشجویان همخوانی دارد. همچنین در زمینه شکل‌گیری هویت، کوثری و خوشنام (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "تحلیل پدیدارشناسی معنای ذهنی دانشجو از دانشگاه" نشان می‌دهد که زندگی در خوابگاه می‌تواند به تقویت استقلال فردی، یادگیری مدیریت مالی و تقویت تعاملات اجتماعی کمک کند که همگی در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای و اجتماعی دانشجویان مؤثر هستند. در واقع یافته‌های این تحقیق نتایج پژوهش حاضر را در زمینه شکل‌گیری هویت دانشجویان تأیید می‌کند. علاوه بر آن محمدی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "واکاوی تجربیات زیسته دانشجویان از زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی"، تجربیات عاطفی دانشجویان در خوابگاه‌ها بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که زندگی در خوابگاه می‌تواند تأثیرات عمیق شناختی، احساسی و رفتاری بر دانشجویان داشته باشد و به عنوان بخشی از برنامه درسی پنهان، نقش مهمی در تجربیات یادگیری آنها ایفا می‌کند. نتایج پژوهش حاضر با این تحقیق در زمینه این مضمون همسو است. علاوه بر آن، فراستخواه (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان "تجربه‌های زیسته و ادراک شده دانشجویان" ادراکات دانشجویان از دانشگاه به عنوان مکانی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان دانشگاه را به عنوان فضایی برای برقراری ارتباط با دیگران و ارتقای پایگاه اجتماعی خود

می‌بینند که این امر به معنای نمادین مکان در ذهن آن‌ها اشاره دارد. در پژوهش حاضر نیز، ساختمان کهنه سرای دانشجویی به‌عنوان یک نماد تفسیر شده است و بسیاری از شرکت‌کنندگان در پژوهش، آن را نشانه‌ی کم‌توجهی به تربیت معلمان و مشکلات نظام آموزشی و بازتابی از شرایط نظام آموزشی تلقی می‌کنند.

این تحقیق به‌طور کلی تأکید دارد که محیط دانشگاه برای تربیت معلمان آینده باید جایی باشد که در آن دانشجویان علاوه بر یادگیری علمی، رشد فردی و حرفه‌ای نیز داشته باشند، و این رشد می‌تواند در تعامل با ارزش‌ها، سنت‌ها، باورها و احساسات آن‌ها در محیط آموزشی شکل بگیرد. لذا مکان در این مسیر اهمیت ویژه‌ای دارد و دانشجویان می‌توانند در ابعاد مختلفی معنای آن را درک کنند. در پایان باید اشاره کرد که در مسیر انجام پژوهش حاضر، محقق با محدودیت‌هایی مواجه شد از جمله اینکه در ارتباط با موضوع، پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام نشده است. همچنین با توجه به یافته‌ها و نتایج این پژوهش، به چند نمونه از پیشنهاد پژوهشی می‌توان اشاره نمود:

- ۱- تجربه زیسته دانشجویان از سکونت در سراهای دانشجویی و بازتاب آن در یادگیری و برنامه درسی پنهان
 - ۲- تمرکز بر این که فضا و مکان چگونه بر شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلمی و تجارب یادگیری غیررسمی اثر می‌گذارد.
 - ۳- تحلیل پدیدارشناسانه نسبت مکان و احساس تعلق در سرای دانشجویی
 - ۴- بررسی اینکه چگونه تجربه‌ی «خانه‌بودن» یا «بی‌خانمانی» در خوابگاه می‌تواند به‌طور ضمنی در برنامه درسی و کیفیت یادگیری حضور پیدا کند.
 - ۵- برنامه درسی زیسته و نقش مکان در شکل‌گیری روابط آموزشی-اجتماعی در سراهای دانشجویی
 - ۶- تحلیل نحوه‌ی تأثیر فضای خوابگاه بر تعاملات جمعی، دوستی‌ها، شبکه‌های حمایتی و پیامدهای تربیتی آن.
 - ۷- مکان به‌مثابه یک متن تربیتی: بازخوانی سرای دانشجویی در پرتو پدیدارشناسی هرمنوتیکی
 - ۸- توجه به چگونگی خوانش و تفسیر مکان از سوی دانشجویان و ارتباط آن با هویت تربیتی و تجارب یادگیری.
 - ۹- پدیدارشناسی تجربه زیسته از فضاهای مشترک (اتاق‌ها، سالن مطالعه، حیاط) و بازتاب آن در فرایند یادگیری
- بررسی اینکه چطور فضاهای اشتراکی در خوابگاه، خود به یک «برنامه درسی پنهان» بدل می‌شوند.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). روش های پژوهش کیفی / از نظریه تا عمل، تهران: نشر علم
- خوشنام، مژگان (۱۴۰۰). پدیدارشناسی مکان در زیست جهان دانشجویی (مورد مطالعه دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران). فصلنامه آموزش عالی / ایران. ۱۳ (۱)، ۲-۳۸.
- فتحی واجارگاه، کورش (۱۴۰۱). برنامه درسی به سوی هویت های جدید. تهران، انتشارات آبیژ.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). تجربه های زیسته و ادراک شده ی دانشجویان. فصلنامه /نجم آموزش عالی / ایران. ۷ (۲)، ۷۰-۲۵.
- کوثری، مسعود، خوشنام، مژگان (۱۳۹۶). تحلیل پدیدارشناسی معنای ذهنی دانشجو از دانشگاه. مجله پژوهش در نظام های آموزشی. ۳۸، ۱۹۳-۱۷۲.
- محمدی، محمود (۱۴۰۱). واکاوی تجربیات زیسته دانشجویان از زندگی در خوابگاه های دانشجویی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان البرز). نشریه توسعه حرفه ای معلم. ۷ (۱)، ۵۰-۳۵.
- Abolmaali, Kh. (2012). *Qualitative Research Methods: From Theory to Practice*. Tehran: Nashr-e Elm. [In Persian].
- Butler, A. sinclAir, A. (2020). Place Matters: A Critical Review of Place Inquiry and Spatial Methods in Education Research. *Review of Research in Education* March 2020, Vol. 44, pp. 64 –96.
- Casemore, B. (2017). *Curriculum as the study of place*. In M. A. Doll, (Ed.). *The reconceptualization of curriculum studies: A Festschrift in honor of William F. Pinar*. New York: Routledge.
- Delaney, D. (2002). The space that race makes. *The Professional Geographer*, 54(1), 6–14. <https://doi.org/10.1111/0033-0124.00309>.
- Eddie, J. M. (2000). *The primacy of perception*. Northwestern University Press.
- Fathi Vajargah, K. (2022). *Curriculum Towards New Identities*. Tehran: Aeezh Publications. [In Persian].
- Farasatkah, M. (2015). *Lived and Perceived Experiences of Students*. Quarterly Journal of the Iranian Association of Higher Education, 7(2), 25–70. [In Persian].
- Fink, Eugen (1995). *Sixth Cartesian meditation: The idea of a transcendental theory of method*. Indiana University Press.
- Gruenewald, D. (2003). Foundations of place: A multidisciplinary framework for placeconscious education. *American Educational Research Journal*. 40(3), 619–654. <https://doi.org/10.3102/00028312040003619>.
- Gruenewald, D. A., & Smith, G. A. (Eds.). (2014). *Place- based education in the global age: Local diversity*. New York: Routledge.
- Hershock, P., & Ames, R. (2019). *Philosophies of Place an Intercultural Conversation*. versity of Hawai ‘i Press and East-West Philosophers’ Conference.

- Husserl, E. (2017). *Ideas: General introduction to pure phenomenology*. Unwin Brothers Ltd.
- Khoshnam, Mojgan. (2021). Phenomenology of Place in the Student Lifeworld (Case Study: Undergraduate Students at the University of Tehran). *Iranian Journal of Higher Education*, 13(1), 2– 38. [In Persian].
- Kowsari, M., & Khoshnam, M. (2017). A Phenomenological Analysis of Students' Subjective Meaning of University. *Journal of Research in Educational Systems*, 38, 172–193. [In Persian].
- Wearing, J., Ingersoll, M DeLuca, Ch, Bolden, B. Ogden, H., & Christou, Th. (2020). *Key Concepts in Curriculum Studies*. New York, Routledge.
- Kincheloe, Joe L., & Pinar, William F. (1991). *Introduction to Curriculum as Social Psychoanalysis: The Significance of Place*, edited by Joe L. Kincheloe and William F. Pinar (1–23). Albany: State University of New York Press.
- Pinar, W. F. (1991). *Curriculum as social psychoanalysis: On the significance of place*. In J. L. Kincheloe, & W. Pinar (Eds.), *Curriculum as social psychoanalysis: The significance of place* (pp. 165– 186). Albany, NY: SUNY Press.
- Pinar, W. F. (2015). *E ducational Experience as Lived: Knowledge, History, Alterity*. New York, Routledge.
- .Merleau-Ponty, M. (1978). *Phenomenology of perception*. Routledge & Kegan Paul
- Mohammadi, M. (2022). Exploring Students' Lived Experiences of Dormitory Life (Case Study: Students of Farhangian University, Alborz). *Journal of Teacher Professional Development*, 7(1), 35–50. [In Persian].